

تاریخچه مختصری درباره

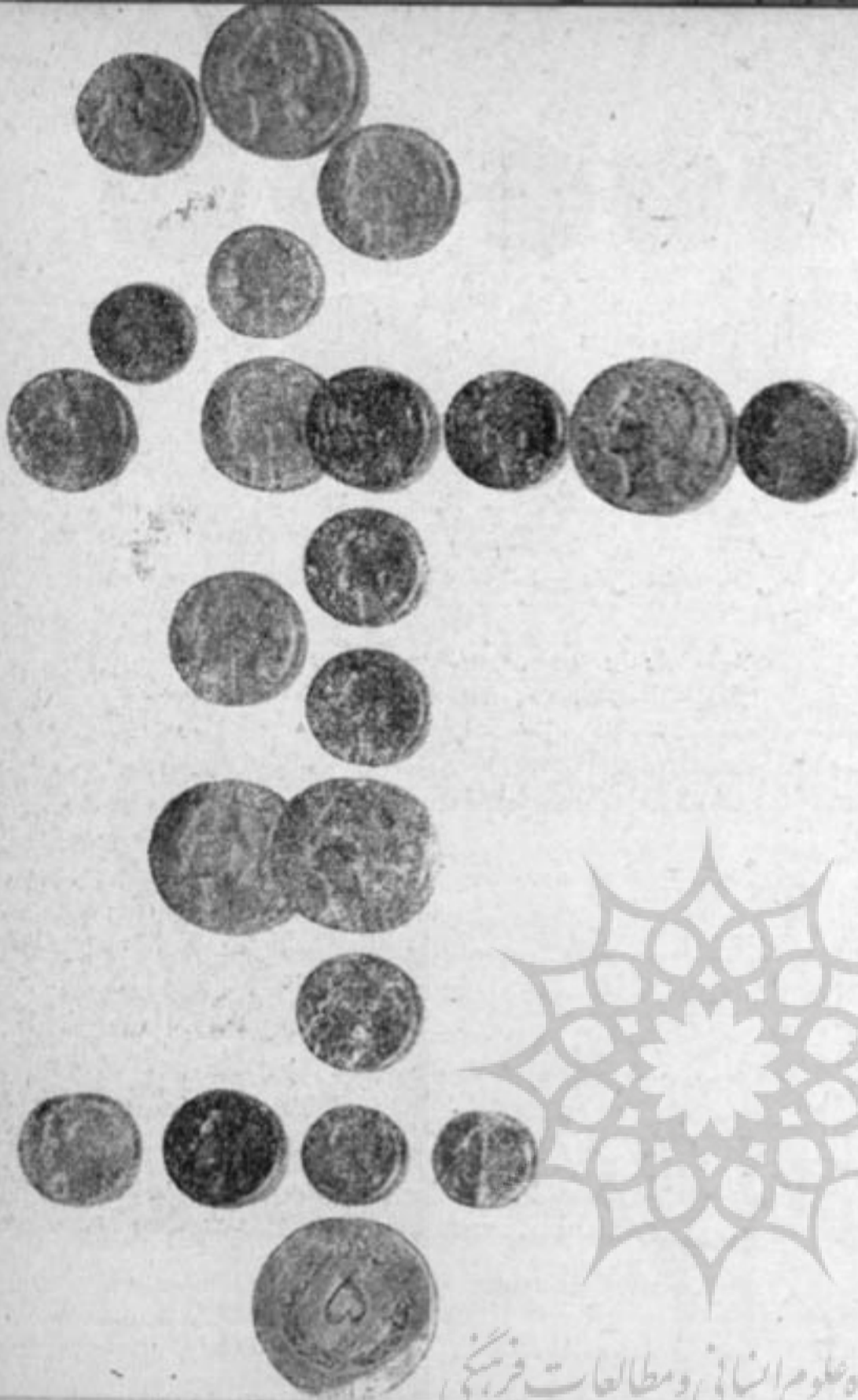
پیداایش بانکها

از: امیر حسین پور حسینی

پس از آنکه اقتصاد خانوادگی با اقتصاد اجتماعی تبدیل گردید دادوستد بین مردم متداول شد، زیرا بعلت محیط طبیعی و به سبب امکاناتی که مردم از لحاظ تهیه محصول و تربیت حیوانات و صید دریائی و زمینى داشتند، ناگزیر بودند برای رفع نیازمندیهایشان مازاد محصولی را که بدست میآوردند بایکدیگر مبادله نمایند و چون در آن هنگام «معیار عمومی» برای تعیین ارزش اشیاء وجود نداشت افراد ناچار بودند کسی را پیدا کنند که طالب کالایشان باشد و ضمناً کالای مورد نیاز آنها را نیز داشته باشد و این خود مشکل بزرگی در معاملات بوجود میآورد چه پیدا کردن کسی که طالب کالای عرضه شده باشد مستلزم آن بود که عرضه کننده مدتی جستجو کند تا چنین کسی را بیابد و تازه معلوم نبود که آن تقاضا کننده، کالای مورد نیاز عرضه کننده را داشته باشد و در صورت دارا بودن مشکل دیگری بوجود میآید و آن برابری ارزشهای عرضه و تقاضا بود چه ممکن بود کالای عرضه شده ارزش بیشتری از کالای تقاضا شده داشته و یا برعکس آن باشد و برای دریافت مابه الاختلاف کالای دیگری نباشد که متعاملین بدریافت آن رضایت دهند. برای رفع این اشکال و بحکم ضرورت واسطه‌هایی پیدا شدند که عملشان تسهیل اینگونه معاملات بود بدین ترتیب که عرضه کنندگان باین واسطه‌ها رجوع میکردند و با ارائه محصول خود کالای مورد نیاز خویش را دریافت میکردند و چون تعداد عرضه کنندگان بر حسب نوع کالائی که عرضه میکردند مختلف بود سهولت میتوانستند آنچه میخواهند بدست آورند منتهای مراتب این واسطه‌ها از معاملاتاتی که انجام میدادند مقداری کالا بعنوان کارمزد برای خویش بر میداشتند و بدین ترتیب عملی نظیر عمل سرافان امروزی انجام میدادند باین تفاوت که بجای پول، کالا مورد معامله قرار میگرفت.

بدیهی است که این عمل بیشتر بوسیله ریش سفیدان و معتمدین انجام میشد، چه باخبر کمی و تجربه‌ای که این معتمدین داشتند در تعیین قیمت‌ها طرف اعتماد مردم بودند و نظر آنان اغلب مورد قبول واقع میشد، معذا چون همین معتمدین نیز معیاری درست نداشتند تا بدان واسطه قیمت محصولات مورد معامله را معین نمایند و بدین واسطه رضایت کامل از باب رجوع را تأمین کنند عملاً دچار اشکال میشدند و ناچار معیاریست واسطه‌ای بدست آوردند تا بدان طریق، این نقیصه را بر طرف سازند اینست که بیشتر محصولات را بیشتر بآن خویش بعنوان تفاوت قیمت عرضه میداشتند که مورد احتیاج عامه بود و بالطبع مورد قبول واقع میشد.

کم کم این محصولات بعنوان «مقیاس عمومی» شناخته شد و در تعیین قیمت سایر محصولات بدان استناد میگردد. «مقیاس عمومی» ساکنان هر ناحیه‌ای بنا بر موقعیت مکانی که در آن زیست مینمودند تفاوت داشت چنانچه مردمیکه در سواحل دریاها ساکن بودند و صید ماهی در بین آنها متداول بود مقیاس عمومی‌شان «ماهی» و در میان مردم ساکن کوهستانها که بگلچرانی اشتغال داشتند «گاو و گوسفند» و در میان مردمیکه در نواحی سردسیر زندگی میکردند و با شکار حیوانات احتیاجات خود را بدست میآوردند «پوست» و بالاخره در نواحی زراعتی، برنج و گندم بعنوان «معیار عمومی» بکار میرفتند و چون این معیارهای عمومی فقط مورد ورق برنید



رونگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





در قرون وسطی، پس از متلاشی شدن امپراطوری روم و استقرار نظام ملوک الطوائفی که بر اساس یک جامعه کشاورزی بنا شده بود تجارت برای مدتی اهمیت خود را از دست داد زیرا:

۱- فتودالها با تصاحب زمینها اغلب بر سر بدست آوردن قطعه زمین بیشتر دانا بایکدیگر در جنگ و ستیز بودند و این خود موجب ناامنی بین راهها و نقاط مختلف میکردید.

۲- فتودالها اجازه عبور کالا از ملک خود نمیدادند و یا اگر با عبور تجار و کالاهایشان موافقت میکردند، بایستن مالیاتهای گزاف بکالاهای عملا برای تاجریکه کالای خویش را از نقطه ای بنقطه دیگر میبرد نفی حاصل نمیشد زیرا ناگزیر بود از هر سرزمینی که عبور میکرد بمقداری که هر فتودال در حیطه تصرف خود نرخ وضع مینمود مالیات بپردازد.

۳- وبالآخره در هر یک از حوزه های مالکیت تمام کالاهائی که مورد نیاز بوده تولید میشد و حاجتی بخیرید آن از خارج وجود نداشت زیرا فتودالها از سرفها و زارعینی که در زیر سلطه خود داشتند هر آنچه میخواستند خواه بصورت کار و خواه بشکل محصول از قبیل پارچه، کفش، میوه، انواع خوراکی و غیره بدست میاوردند و طبیعی است که هیچگونه احتیاجی بتجارت پیدا نمیکردند و برای خود این زارعین و سرفها نیز جز مقداری قوت لایموت چیزی باقی نمی ماند که آنرا با کالاهای دیگر مبادله نمایند یا بفروش برسانند در حقیقت مالک چیز اضافه تری برای آنها باقی نمیگذاشت و حتی در این زمینه برایشان قائل نبود.

۴- اصول مذهب مسیحیت با کمال قدرت حاکم بر روابط مردم عادی بود حتی فتودالها نیز تحت نفوذ رؤسای مذهبی قرار داشتند و عقاید

شناسائی نواحی بخصوصی فرار می گرفت معاملات که افراد این نواحی میخواستند بایکدیگر بنمایند بوسیله همان واسطه ها که در بالا بیان کردید انجام میشد بنا بر این چنانچه مشاهده میشود از دیر زمان که بشر احتیاج بمبادله پیدا نمود بموازات این احتیاج نوعی معاملات بانکی بوجود آمد.

آنکام زمانی رسید که معیار عمومی بصورت پول وارد معاملات گردید یعنی اشیاء معینی بعنوان «معادل عمومی» مورد شناسائی مردم قرار گرفت و سرانجام که بشر بخواص فلزات بخصوص طلا و نقره و رجحان این دو بسایر فلزات بواسطه آسان بودن نقل و انتقال آنها و نیز دوام و تغییر ناپذیر بودنشان بی بر سایر اشیاء که قبلا بجای پول بنام میرفت اعتبار خود را از دست داد زیرا که:

۱- نقل و انتقال اشیائی که بعنوان پول بنام میرفتند از جانی بجای دیگر ممتنع بود.

۲- هر طایفه و ناحیه ای «معادل عمومی» مختص بخود داشتند که طوایف دیگر با آنرا قبول نداشتند و یا آنکه ارزش کمتری از ارزش تعیین شده برای آن قائل بودند.

در نتیجه طلا و نقره جای خود را در معاملات باز کرد و «معادل عمومی» بدانها منحصر گردید.

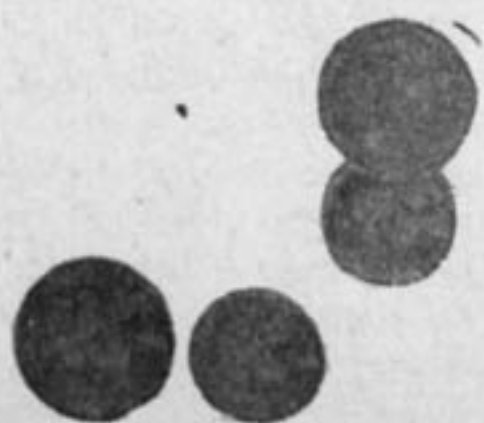
معاملات پولی و بانکی هنگامی ارزش واقعی پیدا کرد که تجارت بین شهرهای مختلف رواج یافت، بخصوص با پیدایش امپراطوریهای بزرگ و تمرکز جمعیت ها و احتیاج حکومتها بپول از لحاظ نگهداری قوای نظامی و سازمان حکومتی و اخذ مالیات از مردم برای تأمین این منظور ضرورت پول بیشتر محسوس گردید.

در تحقیقاتی که در این زمینه بعمل آمده معلوم شده است که در امپراطوریهای نظیر کلد و آشور و هم چنین بابلی ها عملیات سرافی معمول بوده است. در یونان این امر بشکل تکامل یافته تری متداول بوده چنانچه دادن وام، اخذ وثیقه، صدور حواله، از جمله کارهایی بود که سرافان یونانی انجام میدادند.

در ایران قدیم نیز بعلمت رائج بودن پول و تمرکز حکومت عملیات سرافی بسیار معمول بوده است و این عمل بیشتر بوسیله یهودیان انجام میگردد که بخصوص در تبدیل نفوذ و دادن قرض و گرفتن وثیقه اقدام میورزیده اند.

در روم قدیم برخلاف گذشته برخی از مورخین که پیاره ای مدارک معمول استناد نموده اند تجارت چندان رونق نداشته و عملیات بانکی نیز انجام نمیشده است چه رومیها بکشاورزی و جنگجویی و کشورگشائی اعتقاد داشتند و با فعالیت بازرگانی و فساد که از این راه در جامعه بوجود میآمد مخالف بودند بهمین لحاظ برای شرکتهای تجارتی شخصیت حقوقی قائل نبودند و حاضر نبودند اینگونه شرکتهای را بعنوان وجود مستقلی از صاحبان و تشکیل دهندگان آنها بشناسند و هیچگونه اقدامی برای حفظ و توسعه آنها نمی نمودند و احتیاجات مالی خویش را بوسیله غارت همسایگان دور و نزدیک و هم چنین کشاورزی با بکار گماردن اسیران و بردگان در مزارع تأمین میکردند.

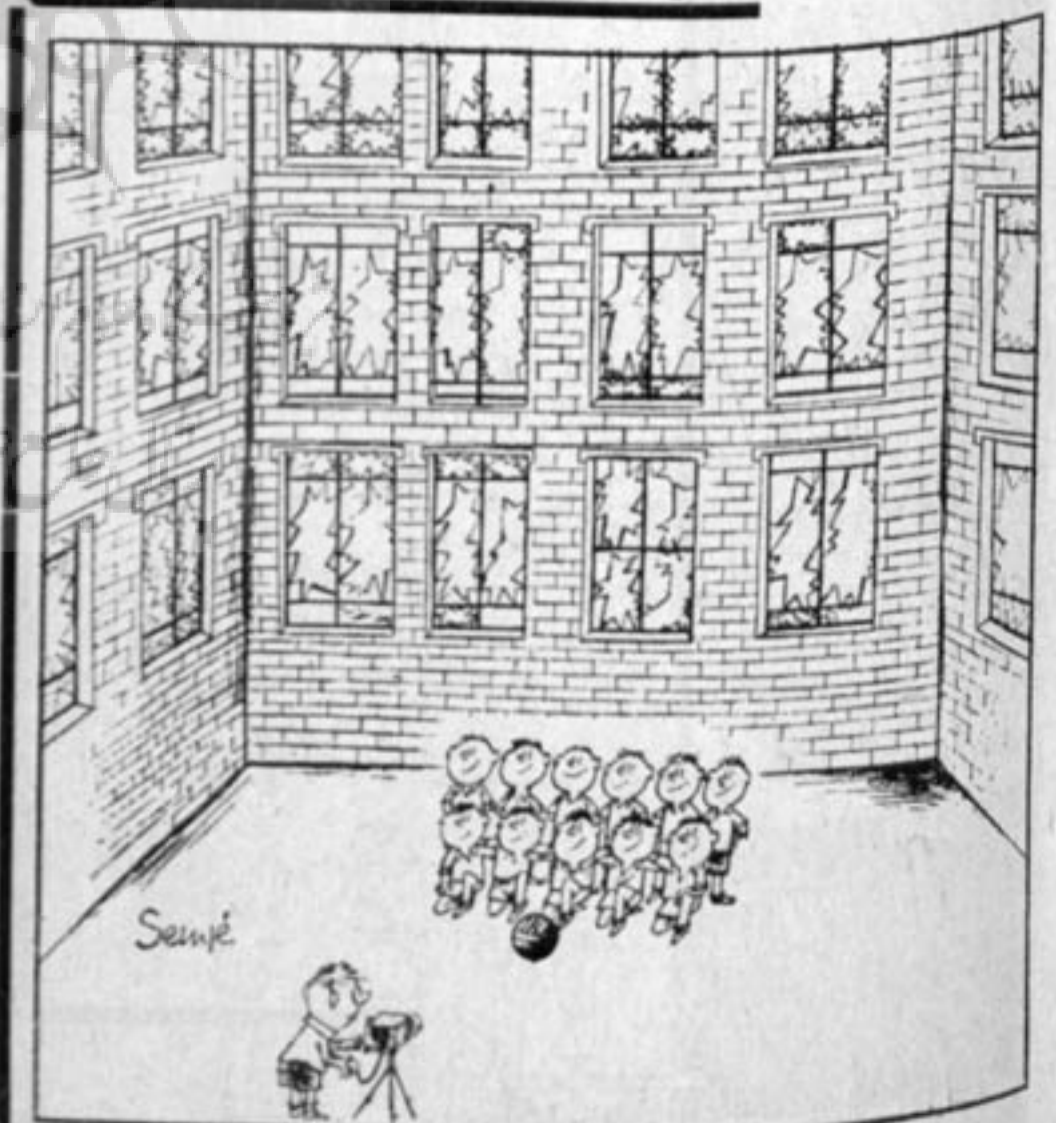
در تفسیری که از کلمه بانک بعمل آمده آنرا ماخوذ از کلمه «بانکو» یعنی چهار پایه های مشخصی دانسته اند زیرا در قرون ۱۱ و ۱۲ که بازرگانان در مواقع معینی از سال در نقاط مشخصی گرد هم جمع میشدند تا کالاهای خویش را بیکدیگر عرضه نمایند. کسانیکه بعملیات سرافی اقدام مینمودند در وسط میدانهای محل اجتماع بازرگانان بر روی چهار پایه ای نشسته و آن چهار پایه تعیین کنند و وضع شخصی بود که در روی آن فرار می گرفت و سایر بازرگانان میدانستند که شخص مزبور غیر از امور عادی بازرگانی تبدیل پول وضعات کردن اشخاص در مقابل بیکدیگر و سایر عملیات سرافی را انجام میدهد و در موقع لزوم باور جوع میگردند. کم کم که این سرافان مکان ثابتی برای خود تهیه نمودند مجازاً باین مکانها بانک گفتند و اکنون در محلهائی که معاملات پولی و اعتباری برقرار است چنانچه میدانیم بآنها بانک میگویند.



آنان مبنی بر رعایت عدل و انصاف در امر اقتصادی بظاهر حفظ میگردید
 بخصوص آنکه فیلسوف بزرگی مانند سن تو ماداکن در این زمان^۳ بادلانل
 تازه ای با اصول فوق شکل خاصی بخشید و مانند سایر مراجع کلیسای باخواری
 را تحریم نمود و عقاید خویش را بنحوی اشاعه داد که کلیه متفکرین آن عصر
 را تحت الشعاع خود قرار داد. طبیعتاً است که در این اوضاع و احوال
 بانکداری و صرافی که پایه و اساسش بر تنزیل و معاملات پولی نهاده شده
 است نمیتوانست نضج بگیرد و توسعه پیدا کند. بنوشته جرج ساول «همینکه
 نظم بیشتری برقرار گردید و برای تجارت در زمین و دریا امنیت بیشتری
 فراهم شد و احتیاج بحمايت فتودالها تقلیل یافت، کسانی که محصول اضافی
 داشتند توانستند آنرا با محصول سایرین یا با مصنوعات شهر نشینان مبادله
 کنند. شهرها توسعه یافت، کار بازرگانان رونق گرفت، یک نظام بازرگانی
 بوجود آمد، بازارهایی تاسیس شد و بدین ترتیب رسم و عادت قدیمی که
 عبارت از تولید برای مصرف محلی بود خود بخود زائل گردید.

از دیاد جمعیت شهرها، لزوم تولید کالا برای فروش و تجارت
 در مسافتهای دور، عوامل مهمی برای تشکیل دولتهای متمرکز و قدرت
 آنها گردید. در اسپانیا، پرتغال، فرانسه، انگلیس و شاهزاده
 نشینهای آلمان پادشاهانی با قدرت مطلقه، بعنوان معظّمین و نماینده
 حاکمیت، حکومت میکردند، در این دوره برخلاف دوره ملوک الطوائفی
 دولت برای حفظ قدرت خود یک ارتش دائمی بوجود آورد که به
 سربازان و افسران آن حقوق میپرداخت و همینطور برای اداره امور
 کشور کارمندانی استخدام نمود و برای پرداخت این مخارج مجبور شد
 مالیات وصول کند، یعنی دولت همانند بازرگانان احتیاج بیول پیدا
 کرد و ناچار شد برای آن ارزش و اهمیت قائل شود، هر قدر مردم
 پول بیشتر داشتند دولت صاحبان مشاغل را که پول ایجاد میکردند از قبیل
 صنعتگران، تجار و بانکداران تشویق و تقویت مینمود.

بدین ترتیب مشاهده میشود که بر حسب ضرورت اجتماعی و هم
 چنین بعلت ارتباطی که بعد از جنگهای صلیبی میان شرق و غرب برقرار



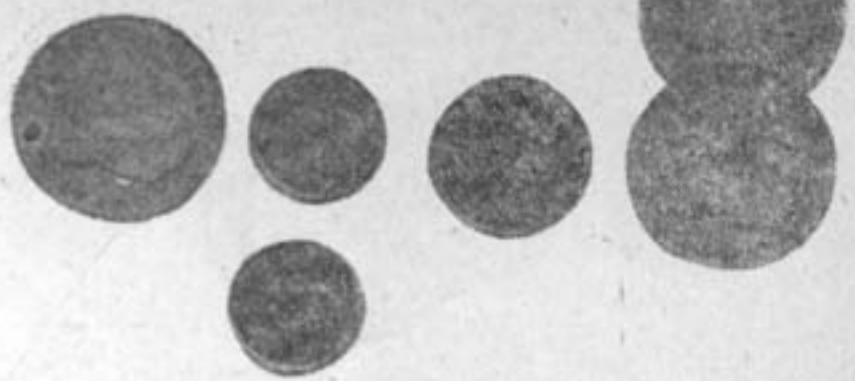
یادگار تیم قهرمان «شیشه شکن»



تاریخی و مطالعات تاریخی

شدیم تجارت و امور وابسته بآن اهمیت فراوانی یافت و بخصوص این
 امر پس از قرن ۱۴ توسعه زیادی پیدا کرد زیرا حکومت های مرکزی محدودیت
 هائی را که در قرون وسطی بوسیله فتودالها بر گزار شده بود از میان بردند
 و سرمایه داران و پیشه وران که در حال رشد و توسعه بودند امکان دادند تا
 در تقویت خویش بکوشند و نیز نسبت بساحبان حرفه ها و صنایعی که در راه
 تکامل صنایع خود کوشش مینمودند از حمایت مادی و معنوی دریغ نورزیدند
 و با ایجاد محدودیت های کمرکی آنها را از رقابت های خارجی محفوظ
 داشتند و برای صدور محصولات داخلی تسهیلات زیادی بعمل آوردند و
 صاحبانشان را مورد تشویق قرار دادند و این حمایت ها باعث موشد که
 دولتها مقدار بیشتری امالهاست بدست آوردند و همچنین بعلت عقاید
 مركاتالیستها یا سوداگران که در این دوره طرفداران زیادی پیدا
 نموده بودند این نظریه قوت یافته بود که هر مقدار کالا از کشور خارج کرد
 در مقابل طلا وارد خواهد شد و در نتیجه بنیه مالی کشور تقویت میشود
 و اقتصاد آن توسعه مینماید.

بدین ترتیب بازرگانان که در ابتدا بشکل خانه بدوشی امنه خود
 ورق بزئید



کشورها بوجود میآورد مثل ورشکستگی بانکها و بی اعتباری اوراق منتشره از طرف آنها، دولت در این امر دخالت نمود و انتشار آنها را متمرکز ساخت و نسبت صد درصد طلای پشتوانه را تقلیل داد و بانک ناشر اسکناس اجازه داد به نسبتی بیش از موجودی طلا اسکناس منتشر سازد و از مازاد آن بفرع خود استفاده کند بدین ترتیب اسکناس که در ابتدا بشکل اوراق حواله معتبر قانونی وسیله پرداخت بود جنبه اعتباری پیدا کرد و بانکها که در ابتدا صرفاً عملیات بانکی مثل تنزیل برات ، دادن اعتبار، قبول سپرده و تبدیسل اسعار اقدام مینمودند عمل دیگری نیز انجام دادند که اهمیت آن به مراتب بیشتر بود زیرا بدخلالت در امور مالی و اقتصادی نیز کشورها را بدست گرفتند چنانچه کمترین تغییر در وضع آنها موجب گرگونی های فراوانی در کلیه شئون زندگی اجتماعی میشد و این نقش حساس در عصر ما همچنان برای بانکها حفظ شده است.

شماره آینده درباره بانکهای صنعتی و نقش آنها در اقتصاد کشور بحث خواهیم کرد

و عرضه میداشتند امکان یافتند آزادانه در داخل کشور بهر کجا که میخواهند بروند و کالاهای خویش را بفروش برسانند در نتیجه صرافان که در صدور حواله و قبول ضمانت بازرگانان در مقابل یکدیگر معاملات بطور محدود انجام میدادند در این دوره بیش از هر وقت قرب و منزلتی یافتند و روز بروز بر اهمیت و مقامشان افزوده شد چه اینان بعلت داشتن شهرت و اعتبار طرف اعتماد سایر بازرگانان بودند و بازرگانان در معاملات یکدیگر ناگزیر بودند با جلب توجه این صرافان برای فروش کالاهایشان ضمانت اجرائی در دست داشته باشند و چون غالب اوقات معاملات بصورت وعده ای انجام میگردد این صرافان پرداخت وجه را در سر موعد تضمین میکردند یا اینکه نقدا وجه پرداخت میکردند و قبوضی از طرف مقابل دریافت میداشتند تا در سر رسید از او بگیرند و در ازاء کلیه این خدمات کارمزدی برای خود منظور میساختند، همچنین برای مشتریان خویش حساب نگه میداشتند، وام میدادند، امانت قبول می کردند حواله صادر مینمودند.

ماهی ها حرف میزنند!

یک فیزیولوژیست آمریکائی ، دکتر چون لیلی ، معتقد است که یکتوع از ماهیها که به آن خوک دریائی میگویند، باهوش ترین حیوانات دنیاست. مغز این ماهی که پر حجم تر از مغز انسان است دارای فشر خارجی غامض و پیچیده شبیه مغز انسانی است (همانطور که میدانید مرکز کلیه فعالیت های مغزی از قبیل تفکر و غیره در همین فشر است) . بعقیده دکتر لیلی انواع و اقسام اصواتی که این ماهی ها زیر آب پخش میکنند در واقع وسیله بیان بی نهایت کاملی است و از چهار سال پیش دکتر لیلی این اصوات را پس از ضبط روی نوار مغناطیسی مورد مطالعه قرار داده است.

در طی یک آزمایش دکتر لیلی چندین پیش ناکهان جریان برق قطع شد و بعد دکتر لیلی برای اینکه کار قبلی خود را کنترل کرده باشد، همان نوار را بطور «آهسته رو» دوباره روی دستگاه پخش صدا قرار داد. صدای خود را شنید که میگفت «۳۲۹» (دکتر لیلی در حین کار شماره نوار را خواندم بود) ، بعد ناکهان صدای ماهی را شنید که باطنینی «تودماغی» ولی خیلی واضح تکرار کرده بود: «۳۲۹» علاوه بر این ماهی بطرز شگفت انگیزی صدای یک ترانسفور ماتور و صدای یک دوربین خود کار فیلمبرداری را هم تقلید کرده بود . و آزمایش های جالب دکتر لیلی هنوز ادامه دارد.

اشکال عمده ای که در این دوران بوجود آمد و بانکها در رفع آن نقش عمده داشتند، محدودیت های گمرکی از یک طرف و انتشار پولهای مختلف از طرف دیگر بود که بعلت وجود حکومت های مرکزی هر کشوری پول و مقررات مختص بخود داشت و چون در معاملات که بازرگانان کشورهای مختلف با یکدیگر انجام میدادند برای دریافت وجه اشکالات زیادی پیش میآمد و پول هر کشوری در کشور دیگر قابل قبول نبود بانکها اقدام به تبدیل اسعار نمودند و نرخ معینی هم بعنوان کارمزد برای این تسعیر تعیین کردند از طرف دیگر بانکها از بازرگانانی که میخواستند کالا از کشوری وارد کنند پول کشور خودشان را دریافت میکردند و حواله یا پول کشور مربوطه را در اختیارشان میگذاشتند و یا اینکه اصولاً این عمل را بوسیله نمایندگانشان انجام میدادند.

شهرهای مهمی که در این زمان مراکز عمده تجارت و بانکداری بود و نیز وفلورانس در ایتالیا بود که در ابتدا بعلت واقع شدن در کنار دریای مدیترانه و بعنوان رابط بین شرق و غرب دارای اهمیت فراوانی بود سپس که ارتباط از طریق اقیانوس اطلس برقرار گردید، مقام اولیه را از دست دادند هم چنین شاه پانی و لیون در فرانسه و آمستردام در هلند و لپزیگ در آلمان از اولین شهرهایی بودند که اعتبار اقتصادی فراوان کسب کردند و در این شهرها بانکهای بزرگی بوجود آمد که اندک اندک بر اعتبار و اهمیت آنها افزوده شد آن چنان که غالب اوقات دولت ها و سلاطین دست نیاز بسوی آنها دراز میکردند.

با پیدایش ماشین بخار در قرن هفدهم و توسعه آن در قرن هیجدهم دخالت نفت و الکتریسته در صنعت ود گرگونی اوضاع صنعتی و اجتماعی جهان و پیدایش موسسات صنعتی بزرگ و نیز وسائل ارتباطی سریع از قبیل کشتیهای بخاری، لکوموتیو، اتوموبیل و هواپیما ، تجارت نیز همپای صنعت توسعه یافت و همراه آن بانکها نیز تکامل پیدا کردند . نفوذ طلا و نقره که در ابتدا تنها وسائل پرداخت بود جای خود را بوسائل پرداخت کاغذی داد ، در ابتدا بانکها در انتشار اینگونه وسائل پرداخت آزادی کامل داشتند و هر بانکی وسائل پرداخت مخصوص بخود داشت چنانچه مثلاً ممکن بود در یک کشوری انواع و اقسام اسکناس چاپ شود که مردم با آنها بمعامله میپرداختند منتهای مراتب این بانکها طبق قانون ناگزیر بودند بهمان میزان که مبارزت بچاپ اسکناس مینمایند طلا در خزانه خویش نگهدارند تا چنانچه صاحبان این اوراق ببانک رجوع نمودند بتوانند در مقابل آنها طلا دریافت نمایند و چون این طریقه اختلالی در اقتصاد

